

## نقش والدین در تربیت فرزند

حجت الاسلام والمسلمین محمد سبحانی نیا\*

### اشاره

اگرچه به نظر کارشناسان امور تربیتی، عوامل پنج گانه: «ژنتیک»، «خانواده»، «مدرسه»، «گروه‌های هم‌سالان» و «تجربه‌های شخصی»، شکل‌دهنده اصلی شخصیت هر فردی به شمار می‌روند، اما در این میان، نقش «خانواده» به عنوان رکنی مهم‌تر و تاثیرگذارتر بسیار برجسته است؛ زیرا رشد و تعالی، فرهنگ‌پذیری، ثبات شخصیت و تعادل روانی انسان، در درون خانواده شکل می‌گیرد. متأسفانه، امروزه با ماشینی شدن زندگی، فشارهای اجتماعی و اقتصادی، روال طبیعی و کامل زندگی خانوادگی را برهم زده است. غالباً مسائل و مشکلات بیرونی خانواده، چنان ذهن و قلب والدین را مشغول می‌دارد که گاه از وظیفه خویش در قبال فرزند و حل مسائل درونی خانواده بازمی‌مانند. گاه نقش پدر به عنوان سکان‌دار و مدیر خانواده به نقش مردی خسته و نان‌آور تبدیل گردیده که تنها ثمره حضورش، تأمین نیازهای مادی نهاد خانواده است. در نتیجه، از نقش اصلی خویش (نقش پدری) بازمانده است. در این نوشتار، برآنیم تا نگاهی به نقش والدین در تربیت فرزند داشته باشیم و وظایف آنان را در این زمینه گوشزد نماییم.

### بازشناسی وظایف والدین

امروزه صنعتی شدن جوامع و کم‌رنگ شدن نقش والدین در تربیت فرزندان، مانع بزرگی در پرورش درست جوانان و نوجوانان به شمار می‌آید. این در حالی است که رسالت والدین در شرایط کنونی سنگین‌تر شده است و نباید اجازه دهند فناوری‌های گوناگون رسانه‌ای، تربیت فرزندان‌شان را بر عهده گیرند. به اعتقاد کارشناسان، بسیاری

---

\* عضو هیأت علمی دانشگاه تفرش، سطح ۴ حوزه علمیه.

از ناهنجاری‌های رفتاری شایع در میان قشر جوان، مانند: فرار دختران، رشد اعتیاد یا افزایش فحشا، از ضعف شدن نقش والدین در خانواده‌ها ناشی می‌شود. بررسی‌ها نشان می‌دهد که در خانواده‌هایی که پدر نقش تربیتی خود را ایفا نمی‌کند، افت تحصیلی، پرخاشگری و بروز رفتارهای نا به‌هنجار بین فرزندان رواج می‌یابد. اگر پدر سرپرستی لازم را در خانواده نداشته باشد، به دلیل آن‌که مادر هنوز از قدرت لازم در خانواده برخوردار نیست، فرزندان حرف‌شنوی نداشته و به آسیب‌های اجتماعی کشیده می‌شوند.

### تأثیر خانواده در تربیت فرزند

طبق بررسی‌های انجام‌شده، مهم‌ترین عامل فرار دختران از منزل، عوامل خانوادگی است و دلیل اصلی در این میان، به‌بد سرپرستی کردن پدر بازمی‌گردد. بسیاری از مردان، حضور لازم را در خانه ندارند و وظیفه تربیتی خویش را به‌خوبی انجام نمی‌دهند. همچنین برخی از پدران نیز رفتارهای پرخاشگرایانه‌ای دارند و با ایجاد محدودیت برای دختران جوان، باعث فرار آن‌ها می‌شوند.

در گذشته، زن، غالباً نقش مادر و همسر را به‌عهده داشت و به‌انجام امور خانه می‌پرداخت؛ اما با تغییر شرایط اقتصادی و اجتماعی و پیچیده‌تر شدن تقسیم کار، امروزه زنان علاوه بر ایفای نقش‌های فوق، پذیرای مسئولیت‌های عمده‌تر نظیر اشتغال در بیرون از خانه می‌باشند. آنچه مسلم است، این است که زنان نیمی از جمعیت دنیا را تشکیل می‌دهند و کاملاً طبیعی است که زنان نیز مانند مردان بخواهند نقش مهم و مؤثری در جامعه و فعالیت‌های اجتماعی ایفا نمایند. اما انجام این رسالت، نباید به قیمت فراموشی یا کم‌رنگ شدن نقش بی‌بدیل مادری در خانه باشد. همان طوری که اشتغال زنان می‌تواند پیامدهای مهمی چون تأمین نیازهای ضروری خانواده و اجتماع را در پی داشته باشد، می‌تواند مخاطراتی را نیز به دنبال داشته باشد که نباید به‌سادگی از کنار آن‌ها گذشت. از این رو، بهتر است زن‌ها با دقت نظر و برنامه‌ریزی، رسالت اجتماعی و خانوادگی خود را به بهترین شکل به‌انجام رسانند. کمبودهای عاطفی، مسأله‌ای است که می‌تواند برای فرزندانِ مادران شاغل به‌وجود آید؛ زیرا مادری که بخشی از وقت خود را در محل کار سپری کند، طبیعتاً بخشی از انرژی، احساسات،

عواطف و کارایی خود را نیز در محل کار صرف می‌کند. در این صورت، به مادر اجازه نمی‌دهد که در آن ساعات باقی‌مانده، به کودک رسیدگی کافی و لازم را نماید؛ چون از طرف دیگر، مسئولیت خانه و خانه‌داری نیز به دوش او می‌باشد. پس لازم است برای جلوگیری از ایجاد مشکلاتی که زنان شاغل در خانواده‌ها با آن روبه‌رو هستند، در قانون اشتغال زنان تغییراتی انجام گیرد؛ مثلاً ساعات کاری آن‌ها به اندازه‌ای کاهش یابد تا آنان بیش از اندازه خسته و درگیر مسائل سخت کاری نشوند.

خانواده‌ها باید بدانند که حکومت هیچ وقت نمی‌تواند نقش این نهاد را بازی کند. خانواده نباید از خودش سلب مسئولیت کند و مثلاً بگوید من در جامعه اسلامی هستم و بچه‌هایم را به حکومت و نظام می‌سپارم و حکومت خودش به مسأله تربیت آن‌ها رسیدگی خواهد کرد؛ بلکه خانواده بایسته است که خودش را عامل اصلی تربیت فرزند بداند. بنابراین، مهد کودک و مدرسه، هیچ گاه جای پدر و مادر را پر نمی‌کند.

### پیامدهای سهل‌انگاری در تربیت فرزندان

بی‌توجهی به نقش والدین در تربیت فرزندان، باعث شده است انتقال فرهنگی والدین به فرزندان به‌خوبی صورت نگیرد و خانواده فرصت آموزش فرزندان را نداشته باشد. به اعتقاد کارشناسان، اعضای یک خانواده در شبانه روز باید ۲ تا ۳ ساعت با یکدیگر ارتباط عاطفی و گفتگو داشته باشند؛ در حالی که هم‌اکنون این میزان، بسیار کاهش پیدا کرده است. «کاهش گفتگو و ارتباطات کلامی میان اعضای خانواده، به مرز هشدار رسیده است و سلامت خانواده‌ها را تهدید می‌کند. نتایج یک پژوهش که در گروه آسیب‌شناسی اجتماعی در بنیاد علوم رفتاری انجام شده، نشان می‌دهد میزان هم‌کلامی والدین شاغل با فرزندان در روز، فقط ۴۹ دقیقه است! آن‌ها به علت گرفتاری‌های شغلی، مشکلات رفت‌وآمد، تماشای تلویزیون و... فقط حدود ۴۹ دقیقه در روز را با فرزندان خود سپری می‌کنند و هم‌کلام می‌شوند.»<sup>۱</sup>

### مراحل نقش والدین در تربیت فرزند

در باره نقش والدین در تربیت فرزند، می‌توان به دو مرحله اشاره کرد:

## ۱. مرحله پیش از تولد

طبق قانون وراثت، فرزندان همان طوری که در مورد صفات ظاهری و ساختمان فیزیکی، از پدر و مادر و اجداد ارث می‌برند، از خُلق و خو و صفات زشت و زیبای آنان نیز متأثر می‌شوند. ژن‌ها، تنها حامل صفات جسمانی نیستند؛ بلکه صفات اخلاقی نیز به فرزندان منتقل می‌شود. نخستین مدرسه، رحم مادر و صلب پدر است که زمینه را برای بروز صفات خوب یا ناپسند فرزندانشان فراهم می‌سازد. وراثت، زمینه و بستر مناسبی برای پذیرش و حرکت فرزندان به سوی مسیر خاص را فراهم می‌آورد. بر اساس آموزه‌های دینی، یکی از مراحل که در شکل‌گیری شخصیت دینی فرزندان مؤثر است، مرحله انعقاد نطفه است. قرآن مجید از زبان حضرت نوح علیه السلام می‌فرماید: «وَقَالَ نُوحٌ رَبِّ لَا تَذَرْنِي عَلَى الْأَرْضِ مِنَ الْكَافِرِينَ دَبَّارًا إِنَّكَ أَنْ تَذَرَهُمْ يَضِلُّوا عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا»<sup>۱</sup> نوح گفت: پروردگارا! بر روی زمین، هیچ یک از کافران را باقی نگذار؛ زیرا اگر تو آنان را زنده بگذاری، بندگان را گمراه ساخته، جز فرزندان تبهکار و کافر تولید نمی‌کنند. این آیه نشان می‌دهد که صفات ناپسند پدران، به فرزندان منتقل می‌شود. رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «تَزَوَّجُوا لِنُطْفِكُمْ فِي الْحَجْرِ الصَّالِحِ فَإِنَّ الْعِرْقَ دَسَّاسٌ»<sup>۲</sup> از طایفه و عشیره پاک‌دامن، نیکوکار و خوش‌اخلاق، همسر انتخاب کنید. به‌درستی که عِرْق (ژن) در فرزند اثر می‌گذارد.»

در این حدیث، روی سخن پیامبر خدا با پدر است که باید در انتخاب همسر دقت کند؛ زیرا نقش مادر در انتقال ویژگی‌های نیاکان به فرزند، مهم و سرنوشت‌ساز است. این ویژگی‌ها، از سوی مادر به فرزند منتقل می‌شود. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «حُسْنُ الْأَخْلَاقِ بُرْهَانُ كَرَمِ الْأَعْرَاقِ»<sup>۳</sup> سجایای اخلاقی، دلیل پاکی وراثت و فضیلت ریشه خانوادگی است.»

غذایی که والدین قبل از انعقاد نطفه می‌خورند، در احادیث معصومان علیهم السلام مورد توجه و تأکید قرار گرفته است؛ زیرا اثر آن در فرزندان آشکار می‌گردد. امام صادق علیه السلام

۱. نوح، آیه ۲۶ - ۲۷.

۲. محمدی ری‌شهری، محمد، میزان الحکمه، ج ۲، واژه «ولد»، ص ۱۱۸۳.

۳. غرر الحکم، ج ۳، ص ۳۹۳.

فرمود: «كَسَبُ الْحَرَامِ بَيِّنٌ فِي الدُّرَيْتَةِ»<sup>۱</sup> آثار کسب حرام، در نسل انسان آشکار می‌شود؛ یعنی نتیجه نطفه‌ای که از مال حرام به وجود آید، جز فرزندان فاسد و منحرف نخواهد بود. از امام صادق و یا امام باقر علیهما السلام در ذیل آیه «...وَشَارِكُهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ»<sup>۲</sup> در ثروت و فرزندان‌شان شرکت جوی، چنین نقل شده است: «مَا كَانَ مِنْ مَالٍ حَرَامٍ فَهُوَ مِنْ شِرْكِ الشَّيْطَانِ؛ هر نطفه‌ای که از مال حرام به وجود آید، شیطان در آن سهم می‌شود.»<sup>۳</sup>

## ۲. مرحله پس از تولد

نقش دوم والدین در تربیت فرزند، پس از تولد کودک ظاهر می‌شود؛ زیرا خمیرمایه شخصیت کودکان، در کانون گرم خانواده تشکیل می‌گیرد. تقلید از رفتار والدین، از بارزترین ویژگی‌های کودکان در سنین پیش‌دبستانی است. بر این اساس، امام علی علیه السلام خطاب به فرزندش امام حسن مجتبی علیه السلام می‌فرماید: «وَإِنَّمَا قَلْبُ الْحَدَثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أُلْقِيَ فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبِلَتْهُ. فَبَادِرْتُكَ بِالْأَدَبِ قَبْلَ أَنْ يَقْسُو قَلْبُكَ، وَيَشْتَعِلَ لُبُّكَ»<sup>۴</sup> قلب بچه نورس، مانند زمین خالی از بذر و گیاه است. هر بذری که در آن افشاندن شود، به‌خوبی می‌پذیرد و در خود می‌پرورد. فرزند عزیز، از دوران کودکی تو استفاده نمودم و خیلی زود در پرورش تو قیام کردم، پیش از آن‌که دل تربیت پذیرت سخت شود و مطالب گوناگونی عقلت را اشغال نماید.»

از منظر رسول خدا صلی الله علیه و آله اگر خانه‌ای خالی از یک تربیت صحیح حکیمانه باشد، بیش از یک ویرانه نیست؛ چنان‌که می‌فرماید: «مَا مِنْ بَيْتٍ لَيْسَ فِيهِ شَيْءٌ مِنَ الْحِكْمَةِ إِلَّا كَانَ خَرَابًا»<sup>۵</sup> خانه‌ای که از برنامه صحیح حکیمانه بی‌بهره باشد، ویرانه‌ای بیش نیست. این برنامه‌ریزی آن‌قدر در دیدگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله اهمیت دارد که ایشان خانه خالی از تربیت صحیح را به ویرانه‌ای می‌دانند؛ هرچند در آن خانه، چیزی از لحاظ مادی کم نباشد.

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۸۱.

۲. اسراء، آیه ۶۳ و ۶۴.

۳. حویزی، عبدالله، تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص ۱۸۳.

۴. نهج البلاغه، نامه ۳۱.

۵. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ج ۱، ص ۳۸۲.

به تعبیر بنیانگذار روان‌شناسی بالینی، ذهن کودکان، مانند صفحه سفیدی است که آماده نگاشتن تجارب محیطی است که در آن زندگی می‌کنند.<sup>۱</sup>

پایه‌های اصلی شکل‌گیری شخصیت انسان، در دوران هفت سال اول زندگی پی‌ریزی می‌شوند؛ به گونه‌ای که روان‌شناس شهپر، گزل، گفته است: «کودک در پنج و شش سالگی، نسخه کوچک جوانی است که بعداً خواهد شد.»<sup>۲</sup> امروزه روان‌شناسان کودک، بدین حقیقت دست پیدا کرده‌اند که تمام حرکات و سکنات پدر و مادر و اطرافیان، در روان بچه مؤثر می‌باشد و نوزاد از لحظه ولادت باید تحت آموزش قرار گیرد.

ابن قیم جوزی می‌گوید: «سرّ اذان و اقامه در گوش نوزاد این است که اولین آهنگی که به گوش انسان می‌رسد، کلماتی باشد که دربردارنده عظمت و کبریایی خدا و شهادتین است و انسان به هنگام تولد، با شعار اسلام آشنا می‌شود و به هنگام مرگ با زمزمه کلمه توحید، دنیا را وداع می‌کند. قطعاً آنچه گوش می‌شنود و آنچه زبان زمزمه می‌کند، بر دل و جان اثر می‌گذارد. وانگهی، شیطان از شنیدن آهنگ اذان گریزان است و از نوزاد دور می‌شود. به علاوه، اذان و اقامه در گوش نوزاد اثر تربیتی دارد و طفل آمادگی پیدا می‌کند تا در جاده توحید گام بزند و از انحراف به چپ و راست خودداری کند. آنچه در گوش طفل زمزمه می‌شود، مطابق فطرت توحیدی و الهی او است و طفل با تمام هستی‌اش با آن هماهنگ است.»<sup>۳</sup> پیامبر اسلام ﷺ درباره حکمت این عمل فرمود: «این کار، کمک می‌کند فرد در برابر شیطان رانده‌شده از درگاه الهی، مصونیت پیدا کند و او را از ارتکاب منکرات نگه می‌دارد.»<sup>۴</sup>

«بنابر تحقیقاتی که به وسیله دانشمندان رفتارشناس صورت گرفته است، بیشتر نابسامانی‌ها و بزهکاری‌های رفتاری در بزرگسالان، نتیجه تربیت غلط و برخورد ناصحیح در دوران اولیه رشد و آغاز سال‌های زندگی است. در واقع، اساس و پایه اصلی شکل‌گیری شخصیت انسان، در دوران هفت سال اول زندگی است؛ همان دوران

۱. افروز، غلامعلی، روان‌شناسی کودکان و نوجوانان، ص ۶۲.

۲. همان، ص ۳۱.

۳. بهشتی، احمد، اسلام و تربیت کودک، ص ۵۸. (با تلخیص)

۴. طباطبائی، محسن حکیم، مستمسک العروه، ج ۵، ص ۵۳۶.

حساسی که کودک در کنار والدین به سر می‌برد.<sup>۱</sup> از حکیمی پرسیدند: از چه زمانی تربیت را باید آغاز کرد؟ حکیم گفت: از بیست سال قبل از تولد.<sup>۲</sup> پس به نظر دقیق، تربیت کودک حتی سال‌ها قبل از تولد طفل آغاز می‌شود؛ یعنی والدین قبل از فرزنددار شدن، زمینه رشد و هدایت را در خود ایجاد کنند و برای پدر و مادر شدن خویشتن را آماده نمایند.

### ساحت‌های نقش تربیتی والدین

تا این‌جا به نقش والدین در دو مرحله از تربیت فرزند آشنا شدیم. در ادامه، به این بحث می‌پردازیم که والدین می‌توانند در ساحت‌های مختلف تربیت، نقش آفرینی کنند که عبارت‌اند از:

#### ۱. تربیت دینی

##### الف. اهمیت تربیت دینی:

در جهان کنونی، در اثر تزلزل نظام‌های ارزشی و انحلال مبانی مقدسات، انسان با بحران‌های گوناگون درونی و بیرونی مواجه شده که مهم‌تر از همه، بحران معرفت و تربیت دینی است. اسلام به منظور مقابله با بروز این بحران، والدین را در قبال سرنوشت فرزندان‌شان مسئول دانسته است. حق زن و فرزند، تنها با تأمین هزینه زندگی و مسکن و تغذیه آن‌ها حاصل نمی‌شود، مهم‌تر از آن، تغذیه روح و جان آن‌ها و به کار گرفتن اصول تعلیم و تربیت صحیح است. قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا؛<sup>۳</sup> ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خود و خانواده خویش را از آتش حفظ کنید.»

امام صادق علیه السلام فرمود: «وقتی آیه فوق نازل شد، مردی از مسلمانان گریست و عرض کرد: من از نگهداری خودم ناتوانم. چگونه خانواده‌ام را مراقبت کنم؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «حَسْبُكَ أَنْ تَأْمُرَهُمْ بِمَا تَأْمُرُ بِهِ نَفْسُكَ وَ تَنْهَاهُمْ عَمَّا تَنْهَى عَنْهُ نَفْسُكَ؛<sup>۴</sup> کافی

۱. فرهادیان، رضا، والدین و مربیان مسئول، ص ۳۹.

۲. روان‌شناسی و تربیت کودکان و نوجوانان، ص ۹.

۳. تحریم، آیه ۶.

۴. وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۱۴۷.

است که آن‌ها را به آنچه نفست را به آن امر می‌کنی، امر نموده و از آنچه نفست را از آن نهی می‌کنی، نهی نمایی.» امام سجاد علیه السلام در رساله حقوق خود با اشاره به این موضوع، تربیت نیکو و کمک برای ایجاد رفتار صحیح در فرزندان را از وظایف والدین برشمرده و فرموده است: «وَأَمَّا حَقُّ وَلَدِكَ فَتَعَلَّمْ أَنَّهُ مِنْكَ وَ مَضَافٌ إِلَيْكَ فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا بِخَيْرِهِ وَ شَرِّهِ وَ أَنْتَ مَسْئُولٌ عَمَّا وَ لَيْتَهُ مِنْ حُسْنِ الْأَدَبِ وَ الدَّلَالَةِ عَلَى رَبِّهِ وَ الْمَعُونَةِ لَهُ عَلَى طَاعَتِهِ فَيُكَفِّرَ وَ فِي نَفْسِهِ فَمُتَّابٌ عَلَى ذَلِكَ وَ مُعَاقِبٌ فَأَعْمَلْ فِي أَمْرِهِ عَمَلَ الْمُتَزَيِّنِ بِحُسْنِ أَتْرِهِ عَلَيْهِ فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا الْمُعَذِّرِ إِلَى رَبِّهِ فِيمَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ بِحُسْنِ الْقِيَامِ عَلَيْهِ وَ الْأَخْذِ لَهُ مِنْهُ»<sup>۱</sup> و اما حق فرزندان آن است که بدانی او از توست و خیر و شر او در همین دنیا به تو نسبت داده می‌شود و تو نسبت به تربیت شایسته او و راهنمایی‌اش به سمت و سوی خدا و کمک به خداپرستی‌اش، مسئولی و در این مورد، پاداش یا کیفر داده خواهی شد. پس در کار تربیت فرزند، چنان رفتار کن که اگر در این دنیا آثار خوب داشت، مایه آراستگی و زینت تو باشد و با رسیدگی شایسته‌ای که نسبت به او داشته‌ای، نزد پروردگارت عذر و حجت داشته باشی.»

امیر مؤمنان علیه السلام تربیت فرزندان را یکی از اساسی‌ترین حقوق آن‌ها بر پدر و مادر شمرده، می‌فرماید: «وَحَقُّ الْوَالِدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يُحَسِّنَ اسْمَهُ وَ يُحَسِّنَ آدَبَهُ، وَ يُعَلِّمَهُ الْقُرْآنَ؛<sup>۲</sup> حق فرزند بر پدر، آن است که نام خوب بر او بگذارد و او را خوب تربیت کند و قرآن به او بیاموزد.»

### ب. تربیت عبادی

یکی از مهم‌ترین ابعاد تربیت دینی در دوره کودکی، تربیت عبادی است. این نوع تربیت که شامل پرورش بُعد معنوی و ایجاد زمینه ارتباط با خداوند است، بسیار مورد تأکید تعلیمات قرآن و پیشوایان دینی می‌باشد. قرآن مجید می‌فرماید: «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَ اصْطَبِرْ عَلَيْهَا؛<sup>۳</sup> خانواده خود را به نماز فرمان ده و بر انجام آن شکیبا باش.» در روایتی می‌خوانیم: وقتی که این آیه شریفه نازل شد، پیامبر صلی الله علیه و آله هر روز وقت نماز در

۱. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۱۸۹.

۲. نهج البلاغه، حکمت ۳۹۹.

۳. طه، آیه ۱۳۲.



خانه امیر مؤمنان و فاطمه زهرا و امام حسن و امام حسین علیهم السلام می‌ایستاد و پس از سلام، می‌فرمود: «الصَّلَاةُ الصَّلَاةُ يَرْحَمُكُمُ اللَّهُ»<sup>۱</sup> تا زمانی که پیامبر صلی الله علیه و آله در قید حیات بودند، این عمل را انجام می‌دادند. آیه شریفه، بر این نکته دلالت دارد که پیامبر صلی الله علیه و آله به عنوان مسئول خانواده موظف شده بود تا خانواده خود را به نماز امر کند و حضرت این کار را به‌خوبی انجام می‌داد.

برخی از خانواده‌ها از سهل انگاری فرزندان بالغ خود نسبت به نماز و دستورات دینی شکایت دارند؛ در حالی که در بسیاری از موارد کوتاهی، متوجه خودشان است؛ چون فرزند خود را از پیش از بلوغ به عبادت تشویق نکرده‌اند، به این بهانه که آن‌ها هنوز تکلیفی ندارند، پس بگذاریم که راحت باشند؛ در حالی که اسلام، پدران و مادران را مکلف نموده است که کودکان را به نماز و عبادات تمرینی، وادار نمایند. وهب بن معاویه می‌گوید: از امام صادق علیه السلام سؤال کردم: «در چه سنی کودکان را به نماز خواندن وا داریم؟» حضرت فرمود: بین شش و هفت سالگی.<sup>۲</sup> همچنین امام صادق علیه السلام از پدرش روایت می‌کند: «إِنَّا نَأْمُرُ صَبِيَانَنَا بِالصَّلَاةِ إِذَا كَانُوا بَنِي خَمْسِ سِنِينَ فَمَرُوا صَبِيَانَكُمْ بِالصَّلَاةِ إِذَا كَانُوا بَنِي سَبْعِ سِنِينَ»<sup>۳</sup> ما کودکان را در پنج سالگی به نماز وا می‌داریم و شما هم کودکان خود را در هفت سالگی امر کنید که نماز بگذارند.»

امام باقر علیه السلام در بیان وظایف اولیای کودکان در تربیت دینی آنان در سنین مختلف، فرموده است: در سه سالگی، کلمه توحید را به کودکان بیاموزید؛ در چهار سالگی، «محمد رسول الله» به آن‌ها یاد دهید و در پنج سالگی، رویشان را به طرف قبله متوجه کنید و به آنان بگویید که سر به سجده بگذارند.<sup>۴</sup>

عبادات تمرینی کودک و دعا و نیایش او، تأثیر درخشانی در روان او می‌گذارد و وقتی به درگاه الهی دعا و نیایش می‌کند، امیدوار بار می‌آید و در باطن خویش، تکیه‌گاهی برای خود حس می‌کند.

۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۳۵، ص ۲۰۷.

۲. وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۸.

۳. همان، ص ۱۹.

۴. طبرسی، حسن، مکارم الأخلاق، ص ۱۱۵.

خانواده‌هایی که از فرصت دوران کودکی برای این منظور استفاده نمی‌کنند، در دوران بلوغ و نوجوانی معمولاً با مشکلات جدی روبه‌رو می‌شوند؛ زیرا کسی که انجام تکالیف دینی را تا مرحله نوجوانی یا جوانی و بزرگسالی به تأخیر انداخته است، هرچند معتقد به موازین دینی باشد، به علت نبود ممارست عملی و آمادگی روحی، معمولاً نمی‌تواند به راحتی به احکام دینی عمل کند. بیشتر کسانی که در سنین بالاتر، وظایف عبادی خود را انجام نمی‌دهند، بی‌اعتقاد به مبانی دینی نیستند؛ بلکه آن‌ها معمولاً کسانی هستند که قبلاً ورزیدگی و آمادگی لازم را به دست نیاورده‌اند. بنابراین، استدلال کسانی که معتقدند طفل پس از رسیدن به حدّ تشخیص، خود باید مسیر خویش را انتخاب کند و نباید پیشاپیش عادت به برخی امور، از جمله تکلیف دینی را در او به وجود آورد، به هیچ‌روی درست نیست. اگر این استدلال صحیح باشد، باید تربیت را تا رسیدن به سن تشخیص تعطیل کرد؛ حال آن‌که تربیت به یک معنا، چیزی جز ایجاد عادات در کودک نیست.<sup>۱</sup>

متأسفانه، در عصر حاضر، برخی از والدین، اهتمام لازم به تعلیم آموزه‌های دینی به فرزندان خویش را ندارند؛ در حالی که مشاهده می‌شود بعضی از خانواده‌ها برای فراگیری کودکان خویش به زبان دوم و یا یادگیری رایانه و امثال این‌ها، وقت و هزینه فراوانی صرف می‌کنند؛ ولی نسبت به تقویت زیربنای معارف دینی و معنوی آنان، کم‌توجه یا بی‌تفاوت‌اند! در این باره، از رسول خدا ﷺ روایت شده است که فرموده: «هیچ کس خداوند را ملاقات نمی‌کند، با گناهی بزرگ‌تر از جهالت زن و فرزندانش.»<sup>۲</sup>

آموزش تعالیم دینی کودکان به اندازه‌ای مورد توجه پیشوای گرامی اسلام ﷺ بوده است که این مسئولیت را به طور مستقیم متوجه والدین می‌داند و با صراحت از پدران و مادرانی که به تربیت دینی کودکان خود بی‌توجه هستند، دوری جسته است. نقل شده است که رسول اکرم ﷺ به بعضی از کودکان نظر افکندند و فرمودند: وای به فرزندان آخر زمان، از [بی‌توجهی و] روش ناپسند پدرانشان! عرض شد: ای رسول خدا! از پدران مشرک آنها؟ فرمودند: نه؛ بلکه از پدران مسلمان آنان که هیچ‌یک از واجبات

۱. سادات، محمدعلی، رفتار والدین با فرزندان، ص ۸۰.

۲. فیض کاشانی، ملامحسن، المحجة البيضاء، ج ۳، ص ۷۳.

احکام دینی را به فرزندان خود نمی‌آموزند و هرگاه فرزندانشان در صدد تعلیم مسائل دینی باشند، آنان را از این امر باز می‌دارند و به ناچیزی از امور مادی درباره آنان قانع هستند. من از این قبیل مردم بیزارم و آنان نیز از من بیزارند.<sup>۱</sup>

## ۲. تربیت عاطفی

عمده‌ترین فقر بشریت در جامعه ماشینی و صنعتی در جهان معاصر، فقر فرهنگی و عاطفی است و مهم‌ترین مشکل کودکان و نوجوانان امروزی در خانواده‌ها، کمبود عشق و عاطفه و محبت است. یکی از ساحت‌های تربیت که والدین در آن نقش به‌سزایی دارند، تربیت عاطفی است.

### الف. محبت به فرزند

در این راستا، اسلام به پدران و مادران سفارش کرده که نسبت به فرزندان خود محبت کنند. اقدامات عملی و رفتاری، از قبیل روی زانو نشاندن، در آغوش گرفتن، بوسیدن، سواری دادن و بعضی وقت‌ها کنار کودکان خوابیدن، هدیه دادن، بازی کردن و بر سر آنها دست نوازش کشیدن، در بسیاری از روایات مورد توجه و تأکید قرار گرفته است. امام صادق علیه السلام محبت به فرزندان را موجب گسترش رحمت الهی در مورد پدر و مادر می‌داند و می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَيَرْحَمُ الْعَبْدَ لِشِدَّةِ حُبِّهِ لَوْلَا ذَلِكَ؛<sup>۲</sup> خداوند متعال بنده را به جهت محبت بیشتر به فرزندش مورد رحمت قرار می‌دهد.» مردی حضور رسول اکرم صلی الله علیه و آله آمده اظهار داشت: من تا به حال به هیچ یک از فرزندانم اظهار علاقه نکرده و یک بار هم آنها را نبوسیده‌ام. بعد از رفتن او، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هَذَا رَجُلٌ عِنْدِي أَنَّهُ مِنْ أَهْلِ النَّارِ؛<sup>۳</sup> به نظر من، این مرد، اهل آتش است.»

از منظر بزرگ‌رهبر مرییان عالم، حضرت ختمی مرتبت، اظهار عشق و علاقه به فرزندان، عبادت محسوب شده و دارای

۱. شعیری، محمد بن محمد، جامع الأخبار، ص ۱۰۶.

۲. وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۴۸۳.

۳. کافی، ج ۶، ص ۵۰.

ثواب و حسنه می‌باشد و در این باره فرموده: «مَنْ قَبَلَ وَكَدَهُ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ حَسَنَةً»<sup>۱</sup> هر کس فرزند خود را ببوسد، خداوند در مقابل این عمل، برای او حسنه می‌نویسد.»

در تربیت عاطفی فرزند پدر و مادر، هر دو صاحب نقش‌اند. مادر از نظر روانی و عاطفی، سرشار از محبت و صمیمیت است. مادر می‌تواند با رعایت اصول و قوانین اسلامی، در سامان‌دهی امور خانواده و پرورش فرزندان نقش مهمی ایفا کند. ویژگی عاطفی زنان، بستر مناسبی برای ایفای نقش مادری و تربیت فرزندان است.<sup>۲</sup> زمانی که مادر با هیجان عاطفی خاصی طفل را در آغوش خود می‌فشارد و به او شیر می‌دهد، یا زمانی که به زبان کودکانه و با تمام وجود با فرزند خود سخن می‌گوید و هنگامی که مادر فرزند خود را شب در کنار خود پناه می‌دهد و او را نوازش می‌کند، شیرینی محبت را به طفل خردسال خود می‌چشاند و گرمای عشق و عاطفه را به ذره ذره وجود او می‌رساند.

کودکانی که این نیروی معنوی را از خانواده نمی‌گیرند، قادر به پرورش عاطفی خود نمی‌شوند. بسیاری از رفتارهای ناهنجاری که در جوان‌ها و نوجوان‌های امروزی می‌بینیم، فریاد بی‌صدای آن‌ها است که: «ما تشنه محبت و دچار خلأ عاطفی هستیم. به داد ما برسید.» این نیاز را هیچ نهاد و دستگاهی به غیر از نهاد خانواده سالم نمی‌تواند تأمین کند.

#### ب. نقش عاطفی مادر و پدر در تربیت فرزند:

متأسفانه، در دنیای امروز این نقش مادران با فاصله‌گرفتن آنان از فرزندان و پرداختن به کار بیرون از منزل، کم‌رنگ شده و شیر مادر جای خود را به شیر خشک داده است؛ در حالی که برای شیر مادر نمی‌توان جایگزینی سراغ گرفت و هیچ پرورشگاهی نمی‌تواند احساس، عاطفه، گرما، آرامش، نیروبخشی و سایر کارکردهای روانی و عاطفی آغوش مادر را جبران کند. بر این اساس، در تعالیم اسلامی، شیر مادر به عنوان بهترین غذا برای نوزاد توصیه شده است؛ چنان‌که در قرآن کریم به مادران

۱. نیشابوری، فتال، روضة الواعظین و بصیرة المنعظین، ج ۲، ص ۳۶۹.

۲. قائمی، علی، سازندگی و تربیت دختران، ص ۲۸۱.

سفارش شده که فرزندان خود را تا دو سالگی شیر دهند.<sup>۱</sup> امام علی علیه السلام فرموده: «برای فرزند، شیری با برکت تر و بهتر از شیر مادر، نیست.»<sup>۲</sup>

خوشبختانه، علم پزشکی نیز به نقش شیر مادر در تربیت هیجانی و عاطفی کودک پی برده است. از این رو، تمام منابع موثق علمی جهان، از جمله: سازمان بهداشت جهانی، دپارتمان بهداشت انگلیس و آکادمی متخصصان اطفال آمریکا، تغذیه با شیر مادر را توصیه کرده‌اند. دکتر بنیامین اسپاک، روان‌پزشک و متخصص کودکان در آمریکا، عصاره دریافت سال‌ها پژوهش و تحقیق کتابخانه‌ای و میدانی خود در این باره را چنین بازگو می‌کند: «کودکان می‌توانند رشد و تربیت طبیعی داشته باشند. برای رسیدن به این هدف، من به نتایجی رسیده‌ام که به طور خلاصه از این قرار است: ساعتی بعد از تولد نوزاد، فرزند را در اختیار مادر قرار دهند، تا او را مدتی لمس کند. تغذیه با پستان مادر باید تشویق شود و تا حد امکان نوزاد هنگام انجام کارها، همراه مادر باشد.»<sup>۳</sup>

این نکته ضروری است که تنها مادر در تربیت عاطفی فرزند نقش ندارد؛ بلکه در این جهت، نقش پدر اگر از مادر بیشتر نباشد، کمتر هم نیست. متأسفانه، ما در تبلیغات خود، تنها به نقش مادر در خانه پرداخته‌ایم؛ در حالی که پدر نیز باید در خانواده حضور داشته باشد. امروزه، پدرها ایجاد شرایط مناسب برای زندگی را با تربیت فرزند اشتباه می‌گیرند و بیشتر وقت‌شان را صرف تمهید شرایط فرزندان‌شان می‌کنند و کمتر در خانه حضور دارند. این پدران، نقش خود را به نان‌آور خانواده بودن خلاصه کرده‌اند و به الگویی مقتدر، اما دور از دسترس فرزندان تبدیل شده‌اند. واگذاری تربیت فرزندان به مادر و خالی کردن میدان تربیت از پدران، فرزندان را معمولاً با مشکلات و اختلالات رفتاری غیر قابل جبرانی مواجه می‌سازد. باید توجه داشت که نقش پدر در توانمندسازی فرزندان، به‌خصوص دخترها، در مقابل آسیب‌های مختلف و خطرناک جامعه بسیار مهم و تعیین‌کننده است. پسران و دختران، نیازمند حضور دو جنس در خانواده هستند که هم روابط و تمایلات این دو جنس را تجربه کنند و هم نقش‌هایی را

---

۱. بقره، آیه ۲۳۳.

۲. کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۴۰.

۳. بنیامین اسپاک، تغذیه، تربیت و نگهداری کودک، ترجمه احمد میرعابدینی، ص ۵۴۴.

که این دو جنس ایفا می‌کنند، بشناسند. اگر این مسأله در محیط خانه تامین نشود، پیامدهای ناخوشایندی به همراه خواهد داشت.

در حال حاضر، فرزندان ما به‌شدت از اخلال در نقش جنسیتی‌شان رنج می‌برند. دختران چه بسا رفتارهایی را از مادر ببینند و نقش‌های او را به عنوان الگو بپذیرند؛ اما از آن طرف به توجه جنس مخالف نیاز دارند و دوست دارند برخی واژگان محبت‌آمیز را از زبان پدرشان بشنوند و بیاموزند. دختری که چنین واژگانی را کمتر از پدرش می‌شنود، ممکن است با شنیدن هر یک از این واژگان از سوی جنس مخالف در بیرون از خانه، دلش بلرزد و فضاهایی برای انحرافش ایجاد شود. شناخت جنس مقابل، به یک تجربه‌ورزی نیاز دارد که پدر می‌تواند در این زمینه به دخترش کمک کند تا او بتواند زیر و بم‌های شخصیت یک پسر را تشخیص دهد. همان طور که مادر در شکل‌گیری نقش‌های جنسیتی نقش دارد، پدر نیز در تثبیت نقش جنسیتی دختر نقش دارد؛ به این معنا که دختران به زینت‌آرایی و خودآرایی تمایل دارند و این نیاز باید در محیط خانه و توسط پدر تأمین شود. آنان به جهت همین حس خودآرایی و زینت‌طلبی، باید جملات محبت‌آمیز بشنوند و نیاز به دیده شدن دارند. اگر دختران از پدران‌شان جملات محبت‌آمیز دریافت کنند، با شنیدن هر ابراز علاقه‌ای از سوی جنس مخالف در بیرون از خانه، دستپاچه نمی‌شوند. بدین ترتیب، دختر اعتماد به نفس لازم را به دست می‌آورد و به استواری شخصیت می‌رسد.

والدین در تربیت اخلاقی فرزندان، نقش مؤثری دارند. پدر و مادر، از دو راه تکوین (وراثت) و تشریح (تعلیم و تربیت) در وضع اخلاقی فرزند اثر می‌گذارند.

### ۳. تربیت اخلاقی

اگرچه ارزش‌های اخلاقی در نهاد کودک، زمینه‌ای فطری دارد و او از این طریق با خوبی‌ها و بدی‌ها آشنا است، اما این زمینه فطری به پرورش نیاز دارد. بنابراین، در صورتی که محیط خانواده برای شکوفایی استعدادهای فطری آماده باشد، ارزش‌های اخلاقی به‌سرعت در وجود او رشد می‌کند. تأثیر تربیت پدر و مادر در فرزندان، تا آن پایه است که در حدیث مشهور نبوی آمده است: «كُلُّ مَوْلُودٍ يُوَلَّدُ عَلَيَّ الْفِطْرَةِ حَتَّىٰ يَكُونُ

أَبَوَاهُ يَهُودَانِهِ وَيُنَصِّرَانِهِ؛<sup>۱</sup> هر نوزادی، بر فطرت پاک توحید [و اسلام] متولد می‌شود؛ مگر این‌که پدر و مادر او را به آیین یهود و نصرانیت وارد کنند. جایی که تربیت خانوادگی، ایمان و عقیده را دگرگون می‌سازد، چگونه ممکن است در اخلاق اثر نگذارد؟

در تربیت اخلاقی، کودک بیش از آن‌که بشنود، می‌بیند؛ زیرا کودک به‌ویژه در مسائل اخلاقی بیشتر از گوش، از چشم خود استفاده می‌کند. «اگر کودک از همان آغاز که در خانواده چشم می‌گشاید، در باره دیگران (از همسایگان و فامیل و دوستان) جز ذکر خوبی نشنود و بدگویی از آن‌ها را ممنوع ببیند، زمینه برای صفاتی چون غیبت و بدگویی و مانند آن، تا حد چشمگیری از بین می‌رود؛ همین طور است صفاتی مانند: دروغ، حسد، چشم هم‌چشمی، داد و فریاد، شدت عمل، خشونت و بدخویی. اگر می‌خواهیم تربیت اخلاقی کودکان را جدی بدانیم، باید تربیت خود را جدی بگیریم و همواره به خاطر داشته باشیم که کار تربیت، از خود مریی آغاز می‌شود.»<sup>۲</sup>

بسیاری از مشکلات اخلاقی در سنین بزرگ‌سالی، از این‌جا ناشی می‌شود که پدر و مادر در سنین خردسالی برای فرزندان خود وقت نمی‌گذارند و ناملازمات رفتاری آن‌ها را با تدبیر و مدارا بر خود هموار نمی‌سازند. طبق فرموده امام باقر علیه السلام صلاحیت و شایستگی‌های پدر، از جمله خصلت‌هایی است که در پرتو آن فرزندان از انحرافات و کجروی‌ها محفوظ می‌مانند. آن حضرت فرمود: «يُحْفَظُ الْأَطْفَالَ بِصَلَاحِ آبَائِهِمْ»<sup>۳</sup> اطفال، در سایه صلاحیت و شایستگی پدران‌شان، [از انحرافات] مصون می‌مانند.»

#### ۴. تربیت جنسی

نقش والدین در شکل‌دهی متعادل و پایدار «هویت جنسی» فرزندان، یکی از مهم‌ترین، دشوارترین و در عین حال، ظریف‌ترین امور تربیتی است که سهم بزرگی در آینده کودکان دارد. البته طرز تلقی ما از تربیت جنسی، در بیشتر جنبه‌ها با اندیشه

۱. بحار الأنوار، ج ۳، ص ۲۷۹.

۲. راهنمای پدران و مادران، ج ۲، ص ۱۱۸ - ۱۲۱.

۳. بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۲۳۶.

غرب کاملاً متفاوت است. غرض ما از تربیت جنسی، پرورش و تعدیل و جهت‌دهی است؛ نه پروردن و اوج دادن.

برای گروهی از والدین و اعضای خانواده‌ها، پذیرش این موضوع که آموزش جنسی کودکان باید از همان دوران کودکی آغاز شود، کمی سخت و دشوار است؛ در حالی که اگر بپذیریم، جوانان امروز برای ورود به اجتماع لازم است مطالب و موضوعات بسیاری، از جمله روش‌های محافظت از خود برابر مشکلات و بیماری‌های ناشی از روابط جنسی را بدانند، باید بکوشیم در مقام راهنمایان و مشاورانی ایمن، مسئول و آگاه، هدایت آن‌ها را بر عهده بگیریم تا آن‌ها بتوانند به‌موقع جلوی بحران زندگی را بگیرند. اگر والدین به سؤالات و کنجکاوی‌های جنسی کودکان، واکنش‌های مناسب، طبیعی و متناسب با ظرفیت و ادراک شناختی آن‌ها به دور از هر گونه مخفی‌کاری و سرکوب داشته باشند، خطر منحرف شدن ذهن کودکان نسبت به مسائل جنسی کاهش می‌یابد؛ چرا که کنجکاوی کودک، در ابتدا صرفاً جنبه آشنایی با این مسائل را دارد؛ اما وقتی برخورد والدین با سرکوب و ممنوعیت همراه می‌شود، ممکن است که این کنجکاوی معمولی، جنبه جنسی پیدا کرده و نهایتاً زمینه‌های انحراف اخلاقی را در آن‌ها به دنبال داشته باشد. بنابراین، به جای مقابله و سرکوب، باید روش هدایت و تعالی انرژی جنسی را در پیش گرفت. مادران موظف‌اند که پیش از شروع اولین قاعدگی، در جوی دوستانه، برای دختر خود توضیح دهند که یکی از نشانه‌های طبیعی رشد یک دختر، شروع قاعدگی است که او را برای مرحله مهم‌تری از زندگی (مادر شدن) آماده می‌کند. سپس از راه ایجاد غرور نسبت به مادر شدن و برانگیختن حس مادری، او را بیش از پیش به طبیعی بودن و اهمیت این تحول بزرگ در زندگی دختران آگاه کنند. همچنین پدران باید با پسران خود در مورد احتلام و آماده شدن آن‌ها برای بارورسازی، پدر شدن و تحمل مسؤولیت خانه و خانواده آماده کنند و برای آن‌ها توضیح دهند که این امر، امری طبیعی است که دلیلی برای شرمندگی آن وجود ندارد.

بسیاری از روان‌شناسان، ۷ تا ۲۱ سالگی را «سن نهفتگی» یا «اختفای جنسی» معرفی کرده‌اند. بنابراین، برنامه تربیت جنسی هم باید با این نهفتگی هماهنگ باشد. آموزش‌های زودرس، شتاب‌زده و ناشیانه مسائل جنسی به کودکان، همان اندازه آسیب‌زا خواهد بود که اگر این آموزش‌ها با تأخیر، پنهان‌سازی و یا نادیده



گرفتن همراه باشد. اطلاعات نباید به گونه‌ای باشد که باعث بیداری زودرس جنسی گردد. اسلام به منظور تربیت جنسی فرزندان، به والدین سفارش‌هایی دارد که عبارت‌اند از:

#### الف. جدا کردن بستر خواب دختران و پسران

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «فَرَّقُوا بَيْنَ أَوْلَادِكُمْ فِي الْمَضَاجِعِ إِذَا بَلَغُوا سَبْعَ سِنِينَ»<sup>۱</sup> زمانی که فرزندان شما هفت‌ساله شدند، بستر خواب آن‌ها را از همدیگر جدا سازید.»

#### ب. خودداری از بوسیدن و در آغوش گرفتن کودکان نامحرم، پس از سن معین

با وجود این‌که در اسلام به محبت و نوازش و بوسیدن بچه‌ها سفارش شده، اما این رفتار، پس از سن معین، از سوی افراد نامحرم منع می‌شود. احمد کاهلی از امام صادق علیه السلام پرسید: دختر بچه نامحرمی، خود را در آغوش من می‌اندازد و من او را بلند می‌کنم و می‌بوسم. حکمش چیست؟ امام علیه السلام پاسخ دادند: اگر دختر شش‌ساله شد، او را روی پای خود نشان.<sup>۲</sup>

#### ج. خودداری از انجام دادن عمل جنسی در برابر فرزندان

یکی از شیوه‌های پیشگیری از تحریک جنسی، خودداری والدین از انجام دادن عمل جنسی در برابر دیدگان فرزندان است که از دوران نوزادی تا سنین نوجوانی و بعد از آن را شامل می‌شود. رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «قسم به آن که جانم در دست او است، اگر مردی با همسرش هم‌آغوش شود و در خانه، کودکی بیدار باشد و آن‌ها را ببیند و صدا و نفس‌شان را بشنود، هیچ‌گاه رستگار نمی‌شود.»<sup>۳</sup>

#### د. اجازه گرفتن فرزندان برای ورود به اتاق والدین

اسلام از والدین خواسته به کودک خود آموزش دهند که پیش از وارد شدن به استراحتگاه آنان، اجازه بگیرد. هدف از این دستور، پیشگیری از روبه‌رو شدن کودک با صحنه‌های جنسی پدر و مادر و پیامدهای آن است. در این باره قرآن می‌فرماید: «ای

۱. بحار الأنوار، ج ۱۰۱، ص ۵۰.

۲. الکافی، ج ۵، ص ۵۳۳.

۳. وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۳۳.

کسانی که ایمان آورده‌اید! بردگان شما و همچنین کودکان‌تان که به حد بلوغ نرسیده‌اند، در سه وقت باید از شما اجازه بگیرند: پیش از نماز صبح، و نیمروز هنگامی که لباس‌های [معمولی] خود را بیرون می‌آورید، و بعد از نماز عشا. این سه وقت خصوصی برای شما است؛ اما بعد از این سه وقت، گناهی بر شما و بر آنان نیست [که بدون اذن وارد شوند] و بر گرد یکدیگر بگردید.<sup>۱</sup>

### هـ. خوداری از لخت شدن در برابر کودکان

متأسفانه، برخی پدر و مادران تصور می‌کنند که کودکان متوجه مسائل جنسی نمی‌شوند. از این رو، در حضور کودکان لخت می‌شوند و حال این‌که این امر، در تربیت جنسی کودکان اثر منفی می‌گذارد. افزون بر آن، لخت شدن در برابر کودکان، حیای آن‌ها را از بین می‌برد. ضمن این‌که باعث تحریک جنسی کودکان می‌شود. این مسأله، در مورد لخت کردن کودکان و دیدن عورت آن‌ها نیز مطرح است.

### و. پوشش مناسب مادر در مقابل فرزند

اگرچه از نظر شرعی، ضرورت ندارد که مادر همه اعضای بدن خود را از فرزندان بپوشاند، اما از نظر تربیتی و روان‌شناختی، کودک شکل پوشش مادر را تقلید می‌کند. اگر مادر همیشه با پوشش مناسب در مقابل فرزندان خود ظاهر شده باشد، کودک هم سعی می‌کند تا همان پوشش را از مادر تقلید کند و در دوران نوجوانی می‌کوشد با مادر خود همانندسازی کند و همان شیوه مادر را انتخاب نماید.

بعضی والدین تصور می‌کنند که بچه‌ها چیزی نمی‌فهمند. از این رو، با پوشش نامناسب در جلوی آنان ظاهر می‌شوند؛ غافل از این‌که کودک آنچه را می‌بیند، در حافظه خود ضبط کرده و روزی نمونه آن را از خود بروز خواهد داد. بعضی نیز بر این باورند که اگر مادران نیمه‌برهنه باشند و سینه و ساق پاهای خود را در مقابل کودکان خود به نمایش گذارند، وقتی فرزندان‌شان در مجالس و جوامع با چنین صحنه‌هایی برخورد کنند، با حرص به چنین افرادی نگاه نمی‌کنند؛ در حالی که اولاً پوشش‌های نامناسب والدین در مقابل فرزندان باعث می‌شود که حیا و عفت در نظر آن‌ها کم‌اهمیت جلوه کند. نوجوانی که همیشه مادر خود را نیمه‌عریان می‌بیند، از این‌که خاله، دخترخاله

و زن بیگانه را با همان وضع ببیند، احساس شرم نمی‌کند. ثانیاً پوشش اطرافیان می‌تواند در بلوغ زودرس فرزند نقش مهمی داشته باشد. کودکی که در سن قبل از نوجوانی هر روز با بدن نیمه‌عریان مادر و خواهر مواجه است و قسمت‌های برجسته بدن آنان را مشاهده می‌کند، زمینه تحریک جنسی در او سریع‌تر و زیادتر است و آنچه را در خانواده می‌بیند، ناخودآگاه در کوچه و خیابان بر افراد دیگر منطبق می‌سازد و باعث می‌شود زودتر از موعد مقرر، علایم بلوغ جنسی در او ظاهر گردد.